

مبانی اسلامی آموزش‌های علمی - کاربردی

TET Islamic Foundations

براساس آموزه‌های فرستادگان الهی یادگیری علم و تخصصی که برآوردن نیاز جامعه همبسته با دانستن آن علم و تخصص است واجب کفایی است (اصل وجوب یادگیری مهارت) و خداوند به واسطه حواس پنجگانه و قوه تعقل، به انسان استعداد کسب مهارت و فنون مختلف را داده است (اصل استعداد).

مفهوم مبانی اسلامی

مبانی اسلامی آن دسته از بن‌مایه‌های دین اسلام است که به منزله شالوده پذیرفته شده است و برای بقیه مؤلفه‌ها، سوپه زیربنایی داشته و به آنها سمت و سو می‌دهد. این بن‌مایه‌ها در زمره «باید»ها بوده و در حقیقت دستاورد جهان‌بینی اسلامی هستند که مستخرج از قرآن کریم و رهنمودهای اهل بیت (ع) اعم از قول و فعل و تقریر معصوم است.

فرهنگ اسلامی همه شئون زندگی یک مسلمان را تحت الشعاع قرار می‌دهد. اهداف و مبانی اسلامی هرگونه آموزشی از جمله آموزش‌های علمی-کاربردی، به نقش دین اسلام در زندگی انسان بستگی دارد. برای مثال، در دین اسلام، با نگاه توحیدی به مسائل زندگی نگریده می‌شود. اعتقاد فرد مسلمان بر این است که کمال و سعادت آدمی در گرو سلوک، رفتار و عمل وی به تعهدات و وظایف فردی، اجتماعی و الهی او است. دین به نگرش انسان سمت و سو می‌دهد، لذا نگرش و بینش موحد با ملحد متفاوت بوده و در نتیجه در رفتار او هم نمود می‌یابد؛ فرد ملحد آرامش خود را در تأمین نیازهای مادی می‌بیند و فرد موحد در نتیجه عمل به تعالیم و وظایف دینی آرامش می‌یابد (درآمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی، 1397).

آموزش‌های علمی-کاربردی از این قاعده مستثنی نیستند؛ هم مرتبی هم متربی، متأثر از جهان‌بینی و زاویه نگرش خود به عالم هستند و براساس باورهای خود در عرصه آموزش‌های علمی-کاربردی گام می‌گذارند.

معنا و مفهوم علم و مهارت

علم در لغت ضد جهل (فراهیدی، 1409ق) به معنی دانستن

(قرشی، 1371) و ادراک حقیقت چیزی است (راغب اصفهانی، 1412ق) و در اصطلاح Science اقدامی روشمند برای گسترش و سازماندهی هدفمند داده‌های باارزش در چارچوب گزاره‌های قابل آزمایش و پیش‌بینی‌هایی درباره جهان است (Wilson, 1999). به یقین در تعالیم اسلامی مهارت آموزی نیز جزو مصادیق علم آموزی است. مهارت به معنای درک و دانش عمیق و تخصصی در رشته‌ای معین است که حاصل تجربه، تربیت و آموزش بوده، به تدریج طی مدتی طولانی در شخص ایجاد می‌شود (ایروانی و مرجانی، 1394).

تعریف آموزش‌های علمی-کاربردی

«آموزش‌های علمی-کاربردی آموزش‌هایی است که با هدف ارتقا و انتقال دانش کار، ایجاد مهارت‌ها، افزایش بهره‌وری، به هنگام کردن و ارتقای معلومات و تجارب شاغلان، رشد استعدادها و بارز و به فعلیت درآوردن استعدادهای نهفته برای تصدی مشاغل و حرف‌گوناگون انجام می‌شود تا توانایی افراد را برای انجام دادن کاری -که به آنان محول می‌شود- به سطح مطلوب برساند. هدف از این آموزش‌ها تربیت افرادی است که در کلیه سطوح برای بخش‌های مختلف صنعت، کشاورزی و خدمات به آنان نیاز است.» (سایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، 1374) این آموزش‌ها مبتنی بر انجام دادن کار و عملیات تکرارشونده است که انتظار می‌رود کارآموز، کار را با مهارت زیاد انجام دهد (ابتکار، 1378).

جایگاه و اهمیت آموزش

در دین اسلام، بعثت پیامبر با آموزش و امر به خواندن آغاز می‌شود که آموزگار آن خداوند متعال است: «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ... اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ» (علق/1-5) «[ای رسول!] بخوان به نام خدایت که تو را آفرید... بخوان که پروردگار تو گرامی‌ترین است. آن خدایی که به کمک قلم آموزش داده است و به انسان آنچه را نمی‌دانست آموخته است.» قرآن کریم نیز از جمله اهداف پیامبران الهی را آموزش کتاب و تربیت انسان‌ها معرفی می‌کند (جمعه/2؛ آل عمران/164؛ بقره/15 و 129) و

می‌کند. در این آیه ذکر بدون قید و شرط «دین»، معنای گسترده‌تری را می‌رساند و مجموعه حیات معنوی و مادی انسان را دربر می‌گیرد (مکارم، 1371). آموزش علم و مهارت هم مشمول حیات مادی و هم حیات معنوی می‌شود لذا به همین گستره، رعایت اخلاص در نگرش اسلامی مورد تأکید است.

باورهای دینی انسان در رفتار او مؤثرند که از جمله کارسازترین آنها اعتقاد به حشر و نشور و «اصل معاد» است که رفتار آدمی، تربیت و اصلاح او را سامان می‌بخشد. به دیگر سخن، کنش هر انسانی در همبستگی تنگاتنگ با جهان‌بینی او است.

وجود حدود 120 آیه در قرآن کریم درباره معاد و بیان توأمان موضوع ایمان و معاد در کنار هم در قریب به 30 آیه (مکارم، 1372) بازگوینده ارزش و اهمیت آن است، چون انسان همه اعمال خود را در قیامت حاضر یافته (کهف/49) و جزای آن را درخواهد یافت (طبرسی، 1372؛ طبری، 1412). آموزش‌های علمی-کاربردی نیز به مثابه یکی از اعمال انسان، از این قاعده مستثنی نیستند. یک مدرس، مربی و مهارت‌آموز مسلمان برای اینکه در نزد خدا بتواند پاسخگو بوده و سرافکننده نباشد، توجه دارد که عمر خود را در آموزش چه چیزهایی صرف می‌کند.

هرچند سه اصل یادشده اختصاص به آموزش‌های علمی-کاربردی ندارد و قلمرو آن به گستره سراسر زندگی انسانی است، اما این آموزش‌ها به‌یقین یکی از مصادیق کنش و رفتار انسان است.

مبانی اسلامی آموزش‌های علمی-کاربردی

اسلام تنها به کسب دانش و مهارتی توصیه می‌کند که «جهت توحیدی داشته و بر خوف و خشیت انسان بیافزاید»⁶ (فاطر/28) و علم او باعث ترس و دوری از گناه شود (طبرسی، 1372؛ قمی، 1363)⁷ (یعنی علم مفید) و از برخی علوم و مهارت‌ها مثل آموزش سحر با قصد اضرار نهی کرده است (بقره/102)⁸ (یعنی علم مضر). از نگاه اسلام، دانستن برخی علوم هم فایده خاصی ندارد (مثل دانستن عدد

این آموختن چنان ارزش والایی دارد که بر هر مسلمانی واجب شمرده شده است.¹ (کلینی، 1369) و در راه یادگیری علم، زمان و مکان² (مجلسی، 1403) و حتی شرک (شیخ حر عاملی، 1425) و نفاق³ (شریف رضی، 1414) مانع نیست. زیرا «کمال دین در طلب علم و عمل به آن است...»⁴ (ابن شعبه حرانی، 1376: 199) و «جست‌وجوی دانش برتر از عبادت است»⁵ (مجلسی، 1403) اما وظیفه معلمان و دانشمندان سنگین‌تر است زیرا خداوند از دانشمندان پیمان گرفته است تا به مردم آموزش دهند (شریف رضی، 1414).

پیش‌درآمدی بر مبانی اسلامی آموزش‌های علمی-کاربردی

برخی اصول و مبانی، شالوده همه امور زندگی انسان است، اعم از آموزش‌های علمی-کاربردی و غیر آن. مهم‌ترین آنها «اصل اعتقاد به مبدأ هستی» است که اساس و زمینه یک جهان‌بینی است که زندگی را می‌سازد و انبیای الهی مأمور به آن شدند، «یا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ آلِهَ غَيْرُهُ» (هود/50 و 84؛ اعراف/65؛ مؤمنون/23) تا بنیان زندگی و جهان‌بینی مردم بر آن اساس بنا یابد. انبیا هم تحت لوای توحید- به مثابه لب همه عقاید، اخلاق و احکام دینی- (طباطبایی، 1390ق) مأمور آموزش و تزکیه شدند (بقره/129؛ آل عمران/164؛ جمعه/2 و ...) (مکارم، 1371؛ طبری، 1412) تا انسان بتواند همه امور از جمله آموزش‌های مهارتی را نیز در راستای تعالی خود و رسیدن به خداوند جهت دهد، زیرا اگر انسان از نظر اعتقادی، بایسته تربیت نشود، نه تنها از دانش و مهارت خود در آبادانی و رشد خود و جامعه بهره نمی‌گیرد بلکه موجب تخریب نعمات الهی و سلب آسایش و امنیت جوامع نیز بشری می‌شود.

اصل دیگر که در راستای اصل توحید قابل تعریف است و اسلام به رعایت آن در همه شئون زندگی تأکید می‌کند «اصل اخلاص» است. آیه شریفه «فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ» (زمر/2) شرط صحت عبادت را اخلاص در دین بیان

اصل استعداد

نفس انسان در ابتدای آفرینش از هرگونه علوم و معارف خالی بود و خداوند برای او حواس بینایی، شنوایی و قوه تعقل قرار داد¹⁵ (نحل/78) تا مستعداً کسب علم و مهارت شود (فخر رازی، 1420؛ طباطبایی، 1390ق). لذا خداوند به او اسماء الهی را آموزش داد (بقره/31) و به استعداد و توانایی کامل مجهز ساخت (جاثیه/13)¹⁶ تا تمامی نیروها و امکاناتی را که در جهان وجود دارد کشف کند (مغنیه، 1378) و برای عمران و آبادانی زمین تلاش کند (معرفت، 1379؛ اعلام قرآن، 1385). واژه «جمعاً» در آیه 13 سوره جاثیه نشانگر آن است که انسان از تمامی استعدادها و شایستگی‌هایی برخوردار است که بتواند با آنها به کره ماه و دیگر ستارگان دسترسی پیدا کند (مغنیه، 1378) و این معنا در مقایسه انسان - و تفنن‌هایی که در خوراک و لباس و مسکن و مانند آن دارد - با سایر موجودات کاملاً روشن می‌شود (طباطبایی، 1390ق). در نتیجه، انسان احتیاجات خود را در دریا و خشکی (اسراء/70)¹⁷ از راه بازرگانی و کشاورزی یا سایر صنایع، علوم و فنون تأمین می‌کند (حسینی همدانی نجفی، 1363).

پیامبر(ص) مردم را به معادن طلا و نقره تشبیه فرمودند¹⁸ (کلینی، 1407). مقام معظم رهبری در تبیین جمله حضرت (ص) گفتند: آنچه در این جمله کوتاه و پرمغز مورد نظر است، وجود استعدادهای پنهان در هر انسان است (خامنه‌ای، 1391). «خداوند» رسولانش را در میان انسان‌ها مبعوث کرد [تا اندیشه‌های آنان را برانگیزانند] و پیامبران را پی در پی به سوی‌شان گسیل داشت، تا ادای عهد فطرت الهی را از مردم بخواهند و نعمت فراموش شده او را به یادشان آورند و با رساندن پیام الهی حجت را بر آنان تمام کنند، و گنجینه‌های خردهایشان را به فعلیت درآورند.¹⁹ (شریف رضی، 1414) این همان کشاندن استعداد است (خامنه‌ای، 1391). امام صادق(ع) نیز شاگردان خود را براساس استعدادشان تربیت می‌کردند نظیر «هشام بن حکم» در مهارت مناظره با مباحث توحیدی (بحرانی، 1374؛ قمی،

اصحاب کهف) (کهف/22)⁹ (یعنی علمی که نه فایده دارد نه ضرر)؛ لذا خداوند به مقام دانشمندان (کسانی که علم و مهارت مفید آموزش می‌دهند) رفعت می‌دهد¹⁰ (مجادله/11). طبق این آیه، مؤمنین دو گروه‌اند: الف) مؤمنان و ب) مؤمنان عالم. طایفه دوم بر طایفه اول برتری دارند، زیرا «عالم و غیرعالم یکسان نیستند»¹¹ (زمر/9) (طبری، 1412 طباطبایی، 1390ق).

تاریخ بر سیره اهل بیت(ع) و انبیای الهی گواه است که آنها از نظر علم و مهارت سرآمد زمان خود بودند و با بهره‌گیری از دانش و مهارت، از دسترنج خویش ارتزاق می‌کردند و آن را با عمل خود به مردم آموزش می‌دادند (کلینی، 1407؛ مجلسی، 1403؛ شیخ صدوق، 1413).

اصل وجوب یادگیری مهارت

تحصیل هر علم و تخصصی که برآوردن نیازهای جامعه اسلامی وابسته به دانستن آن باشد، از باب مقدمه تهییج بر مسلمین واجب کفایی است. در مواردی که حفظ کیان جامعه اسلامی موقوف به تحصیل علوم و صنایع در عالی‌ترین حد ممکن است، آن علوم در همان سطح واجب می‌شود (مطهری، 1372). لذا آفریدگار به مسلمانان فرمان می‌دهد: «هرچه در توان دارید از نیرو(قوه)، آماده و بسیج کنید»¹² (انفال/60). «قوت» نه تنها به هر نوع سلاح (قمی، 1363) و هر نیرو و قدرت اطلاق می‌شود (طبری، 1412؛ زمخشری، 1407) بلکه هر نیرو و قدرتی را که در پیروزی بر دشمن اثر دارد شامل می‌شود، اعم از نیروهای مادی و معنوی. (مکارم، 1371) بنابراین، آموزش علمی-کاربردی و مهارتی نیز «قوت» و نیرو است و طبق صریح آیه، واجب است مسلمین بر هر نیروی مجهز شده، و دشمنان را به واسطه آن بترسانند (انفال/60)¹³ تا متخاصمین از حدود خود تجاوز نکنند. همچنین براساس روایات تأکید و تکلیف شده است مؤمنان دانش‌ها و مهارت‌های موردنیاز و کاربردی را در حوزه فردی و اجتماعی بیاموزند و این موضوع محدود به زمان و مکان خاصی نیست¹⁴ (ابن حکم، 1408؛ جیلانی، 1387).

(1414)، «ابوموسی جابر بن حیان» در کیمیاگری (Britannica, 2013)؛ با عنایت به ظرفیت‌های خدادادی در وجود انسان، اگر آموزش‌های علمی-کاربردی بر مبنای استعداد و توانمندی اشخاص نباشد، یا هیچ نتیجه‌ای نخواهد داشت یا به نتیجه مطلوب نخواهد رسید.

اصل توجه به نیاز جامعه و انسان

در اسلام، آموزش هر مهارتی که در جهت رفع نیازهای واقعی جامعه باشد مورد تأکید است. از همین باب خداوند برخی از این مهارت‌ها را به پیامبران آموزش داده است: «و صنعت زره (سازی) را به خاطر شما به آن (داود) آموزش دادیم، تا شما را از سختی (و آسیب جنگ‌های) تان حفظ کند؛ پس آیا شما سپاسگزارید؟!»²⁰ (انبیاء/80) (رضایی اصفهانی، 1383) زیرا این هنر و مهارت برای مقابله با دشمنان ضروری بود که به واسطه حضرت داود (ع) به مردم آموزش داده شد. قتاده گفته: اولین کسی که زره ساخت داود (ع) بود و پیش از آن تخته آهن به کار می‌بردند و خدا آهن را در دست او چون خمیر نرم کرد و او آن را رشته کرد و حلقه نمود و زرهی سبک و نفوذناپذیر از آن ساخت ... (طبرانی، 2008؛ مجلسی، 1351) همچنین خداوند ساخت کشتی را با دستورات غیبی و به تدریج به حضرت نوح (ع) آموزش داد (طباطبایی، 1390ق): «به او [نوح (ع)] وحی کردیم که زیر نظر ما و با وحی (راهنمایی و آموزش) ما کشتی بساز...» (مؤمنون/27)²¹ (حکیمی، 1380) ولی چون مردم نوح (ع) را باور نداشتند و از نیاز فردای خود آگاه نبودند، حضرت نوح (ع) را مورد استهزا قرار می‌دادند، اما در روزی که به اذن خدا طوفان شد، ضرورت وجود کشتی برای آنها روشن شد (هود/37-41). همچنین، خداوند به واسطه کلاغ، مهارت دفن جسد برادر را به قابیل آموزش داد (مائده/31)²² زیرا نیاز آن روز بود. در نتیجه، آموزش‌های علمی-کاربردی باید بر اساس شرایط و نیاز جامعه و انسان باشد.

اولویت‌بندی در فراگیری

پیامبر (ص) فرمودند: «علم بیش از آن است که بتوانی به تمام آن احاطه یابی پس، از هر چیزی [علم یا مهارت] بهترین آن را یاد بگیر.»²³ (ورام، 1369، ج 2: 15) بنابراین انسان ناگزیر است در یادگیری همه امور از جمله مهارت‌ها اولویت‌بندی کند چون هم مهارت‌ها بسیار زیادند و هم عمر انسان بسیار کوتاه است.

اصل دقت و ظرافت

آموزش مهارت باید با دقت و ظرافت تمام انجام شود تا نتیجه مطلوب حاصل شود. خداوند که آهن را برای داود نرم کرد، به او دستور داد حلقه‌های زره‌ها را با ظرافت تمام به اندازه و متناسب بسازد (سبأ/10-11)²⁴ (طباطبایی، 1390ق). پیامبر (ص) هنگام دفن سعد بن معاذ، با دقت در زره‌های لحدها را مسدود کردند و فرمودند: «من می‌دانم که این قبر به زودی کهنه و فرسوده می‌شود ولی خداوند متعال دوست دارد که بنده‌اش وقتی عملی انجام داد محکم و استوار بجا آورد»²⁵ (شیخ صدوق، 1376: 385).

اصل داشتن حسن فعلی و حسن فاعلی

در اسلام، کمال حقیقی انسان قرب به خدا است و ارزش افعال اختیاری انسان تابع میزان تأثیر آن در تقرب انسان به خداوند متعال است. در عین حال باید توجه کرد که تقرب به خدا در صورتی برای انسان حاصل می‌شود که رفتار افزون بر اینکه حسن فعلی دارد با انگیزه صحیح (حسن فاعلی) انجام شده باشد. اگر عمل خوب با انگیزه‌ای نادرست انجام شود، بر کمال انجام دهنده چیزی نمی‌افزاید؛ چنان‌که اگر عمل بد با انگیزه صحیح انجام شود، بر کمال وی چیزی افزون نمی‌کند. بنابراین، دو چیز در ارزشمندی عمل مؤثر است: 1. خوب بودن عمل و 2. خوب بودن انگیزه فاعل (مصباح یزدی، 1367).

اصل نافع بودن

علم مفیدی که مایه رشد انسان باشد، در اسلام مورد تأیید و تأکید است (مکارم، 1371) همان‌گونه که موسی به

است، لکن قرآن آموزش سحر برای غیر اهل آن را ممنوع دانسته زیرا که یکی از آثار شوم آن جدایی بین زن و شوهر است (بقره/102)³⁵. یعنی افراد ناصالح این مهارت را برای استفاده سوء یاد می‌گیرند بنابراین مضر به حال خود و جامعه خواهد بود. مثل یادگیری نجوم که امام علی(ع) آن را به صورت مشروط مجاز دانسته و فرمودند: ای مردم، از یادگیری ستاره‌شناسی پرهیز کنید، جز آن مقدار که در خشکی و دریا به وسیله آن راهیابی شود، زیرا نجوم به کهنات، فرا می‌خواند و منجم مانند کاهن است و کاهن مانند ساحر و ساحر مانند کافر و کافر در آتش است³⁶ (العروسی الحویزی، 1415).

اصل عمل‌گرایی

اسلام دینی عمل‌گرا است و اگر دانش و مهارت مفیدی را که در حد کلام، خواندن و نوشتن باقی بماند، توبیخ می‌کند و آن را اتلاف سرمایه عمر و سرمایه مادی می‌داند. امام صادق(ع) فرمودند: «آن که فعلش گواه بر قولش نباشد، عالم نیست»³⁷ (بحرانی، 1374، ج 4: 544) یعنی چنانچه علمی همبسته با عمل نباشد و نتیجه عملی در زندگی مادی و معنوی انسان نداشته باشد، از نظر دینی نه تنها مورد تأیید نیست بلکه منهی هم است. بنابراین بهترین دانش دانشی است که همراه با عمل باشد³⁸ (لثی واسطی، 1376). افزون‌براین، اگر علم با عمل پیوند نخورده باشد، موجب فراموشی و زوال علم می‌شود. امام صادق(ع) می‌فرماید: «علم با عمل همدوش است (نجات و رستگاری انسان به هر دو مربوط است). هر که بداند باید عمل کند و هر که عمل کند باید بداند. علم عمل را صدا زند اگر پاسخ گوید بماند و گرنه کوچ کند (مثلاً کسی که می‌داند اطاعت خدا خوب است و لازم‌گویا همان دانستن او را به زبان حال صدا می‌زند و می‌گوید تو که می‌دانی اطاعت خدا خوب است اطاعت کن، اگر فرمان برد علمش ثابت و برجا ماند و گرنه با شک و شبهه و فراموشی از میان برود)»³⁹ (کلینی، 1407، ج 1: 44). آموزش‌های علمی-کاربردی با پیوستگی

خضر(علیهما السلام) گفت: «آیا از تو پیروی کنم تا از آنچه به تو تعلیم داده شده و مایه رشد و صلاح است، به من بیاموزی؟» (کهف/66)²⁶. در روایات نیز بهترین علوم نافع‌ترین آنها معرفی شده است.²⁷ (تمیمی آمدی، 1410) لذا رسول اکرم(ص) از علم بی‌نفع به خدا پناه می‌برد²⁸ (کراجکی، 1410). بنابراین در نگرش اسلام، علوم کاربردی و آموزش آن مثل هر علمی، اگر دارای محتوای منطقی و عقلایی²⁹ (لثی واسطی، 1376) باشد و نیازی را از انسان یا جامعه برطرف سازد، نافع خواهد بود. گرچه آموزش علم و مهارت همراه با خشیت الهی³⁰ (فاطر/28) و رضای خدا³¹ (توبه/72) نیز باشد، دارای جایگاه متعالی‌تری خواهد بود زیرا افزون‌بر دنیا، در آخرت نیز نجات‌دهنده او خواهد بود.

علم و مهارت بی‌فایده یا مضر

برخی علوم و مهارت‌ها دارای قبح فعلی و قبح فاعلی‌اند که از نظر دینی نهی شده‌اند و به دو دسته علوم مضر و علوم بی‌فایده تقسیم می‌شوند. درکل، علم یا مهارتی که بینش‌زا نباشد یا مشکلی را در زندگی حل نکند، بی‌فایده و چه بسا مضر است؛ مثل دانستن تعداد سنگ‌ها و ریگ‌های جهان، یا مهارت بیست بار پلک زدن در یک ثانیه و مانند اینها بی‌فایده است. پیامبر خدا(ص) فرمود: «برخی از دانش‌ها نادانی است» (جصاص، 1405، ج 1: 51)³². یعنی اگر دانش بهره و خاصیتی نداشته باشد مساوی با جهل است. امام علی(ع) فرمودند: «از کسی که علمش به او نفعی نرسانده علم نیاموز، زیرا علمی که به حال او سودمند نیست، به حال تو نیز سودمند نخواهد بود» (مجلسی، 1403، ج 2: 99)³³. همچنین آن حضرت(ع) می‌فرماید: «به یادگرفتن چیزی (علم یا مهارتی) که ندانستن آن زیانی به تو نمی‌رساند، مشغول نشو و از آموختن چیزی (علم یا مهارتی) که فروگذارندش بر نادانی تو می‌افزاید، غافل مباش» (قمی، 1414، ج 6: 344)³⁴.

بی‌تردید یادگیری هر علم و مهارتی توسط اهل آن مفید

خود با عمل، پایدار مانده و موجب رشد انسان و جامعه خواهد بود.

اصل تخصص

داشتن چیرگی و تخصص از مهم‌ترین پرسمان‌هایی است که باید در آموزش‌های مهارتی مورد توجه قرار گیرد زیرا اگر مرتبی متخصص نباشد، نمی‌تواند مهارت لازم را منتقل کند یا آموزش غلط خواهد داد. بنا به فرمایش رسول اکرم (ص) «کسی که ندانسته عملی انجام دهد، خراب کردنش از درست کردنش بیشتر است»⁴⁰ (برقی، 1371ق، ج 1: 198). بنابراین بدیهی است که تمامی انحرافات و فساد و تخریب، معلول ناآگاهی باشد. به همین سبب اسلام در اولین قدم به علم و آگاهی (و تخصص) تشویق می‌کند و آن را غذای عقل می‌شمارد (کلینی، 1387) و از جمله مهم‌ترین شروط موفقیت در کسب‌وکار برای هر اهل فنی داشتن تخصص، باهوشی در آن فن است⁴¹ (مجلسی، 1403).

اصل توجه توأمان به زندگی دنیوی و اخروی

آموزش علوم مهارتی به منزله ترک آخرت و توجه صرف به دنیا نیست، بلکه هدف، یادگیری و عمل به این علوم و مهارت‌ها در راستای دستورات دینی است زیرا اسلام دین زندگی است و همه جوانب زندگی انسانی را دربر می‌گیرد، همان‌گونه که به زندگی اخروی توجه دارد به مثابه زمینه زندگی آخرت، به زندگی دنیوی نیز توجه دارد. امام مجتبی (ع) می‌فرماید: «برای دنیایت چنان کار کن که گویا برای همیشه [در این دنیا] خواهی بود و برای آخرت [نیز چنان] سعی و تلاش کن که گویا فردا از دنیا خواهی رفت»⁴² (مجلسی، 1403، ج 44: 139) در نتیجه، در چارچوب تربیت دینی، ترغیب به کناره‌گیری از اجتماع و تقویت روحیه مرتاضانه در فرد امری کاملاً غیرمعارف است (مطهری، 1371). بنابراین در تعالیم اهل بیت (ع) کسی که دنیا را برای آخرتش رها کند یا آخرت را برای دنیایش ترک کند، مطرود شمرده شده است. امام باقر (ع) از امام سجاد (ع) روایت می‌کند: «از ما نیست آن کس که دنیای خود را برای

آخرت رها کند یا آخرت خود را برای دنیا از دست دهد»⁴³ (بروجردی، 1386، ج 22: 124). بنابراین، توجه توأمان به زندگی دنیوی و اخروی از مبانی دینی آموزش‌های علمی-کاربردی است زیرا نباید انسان در علم و مهارت خود غرق شده و او را از آخرت غافل کند. همچنین توجه به جهان پس از مرگ نباید مانع تلاش او در ساختن دنیایی آباد شود.

اصل آموزش دیداری و شنیداری توأمان

در عصر فناوری، آموزش سمعی و بصری از جایگاه والایی برخوردار است، زیرا اثر دیدن در یادگیری بسیار بیشتر از شنیدن است. لذا پیامبر (ص) در تربیت اصحاب از این مهم نیز بهره می‌گیرد، مثلاً با روشی ملموس و کاربردی خطر «کوچک شمردن گناهان» را برای اصحابش تبیین کرد، آنجا که با یاران خود در زمینی بی‌گیاه فرود آمدند، به یاران خود فرمود: مقداری هیزم بیاورید. عرض کردند: ای رسول خدا، ما در مکانی بی‌گیاه هستیم و در اینجا هیزم نیست. حضرت (ص) فرمود: هر کدام از شما به اندازه‌ای که می‌تواند بیاورد. هر کدام مقداری هیزم آوردند و در مقابل پیامبر (ص) روی هم ریختند. رسول خدا (ص) فرمود: «گناهان نیز این‌گونه جمع می‌شوند» (کلینی، 1407؛ بحرانی، 1374). همچنین، آموزش عملی و هنرمندانه وضو توسط حسنین (ع) به پیرمردی که وضویش اشتباه بود، نمونه‌ای دیگر از آموزش کاربردی به روش دیداری و شنیداری در سیره معصومین (ع) است (مجلسی، 1403؛ ابن شهر آشوب مازندرانی، 1379ق).

کتاب‌شناسی

قرآن کریم
ابن حکم، ح. (1408ق). تفسیر الجبری. بیروت: موسسه آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث.
ابن شعبه حرانی، ح. (1376). رهاورد خرد / ترجمه تحف العقول. تهران: نشر و پژوهش فرزاد روز.
ابن شهر آشوب مازندرانی، م. (1379ق). مناقب آل ائمه اطهار (ع). قم: انتشارات علامه.
ابتکار، ت. (1378). اهمیت آموزش‌های علمی-کاربردی. مجله آموزش مهندسی ایران. (2)، صص 111-119.

دارالکتاب النخاسی.
طبرسی، ف. (1372). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: ناصر خسرو.
طبرسی، ف. (1412ق). تفسیر جوامع الجامع. قم: حوزه علمیه قم، مرکز مدیریت.
طبری، م. (1412ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری). بیروت: دار المعرفه.
فخر رازی، م. (1420ق). التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
فراهیدی، خ. (1409ق). کتاب العین. قم: نشر هجرت.
قرشی، ع. ا. (1371ش). قاموس قرآن. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
قمی، ع. (1363). تفسیر القمی. قم: دارالکتاب.
قمی، ع. (1414ق). سفینه البحار. قم: اسوه.
کراچکی، م. (1410ق). کنز الفوائد. قم: دارالذخائر.
کلینی، م. (1369). اصول الکافی. (ترجمه سیدجواد مصطفوی). تهران: کتابفروشی علمیه اسلامی.
کلینی، م. (1387). اصول کافی (ترجمه مهدی آیت‌اللهی). تهران: جهان‌آرا.
کلینی، م. (1407ق) الکافی (ط - الإسلامیه). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
لیثی واسطی، ع. (1376). عیون الحکم و المواعظ (للثی). قم: دارالحديث.
مجلسی، م. ب. (1351). آسمان و جهان (ترجمه کتاب السماء و العالم بحار الأنوار جلد 54). تهران: اسلامی.
مجلسی، م. ب. (1403ق). بحار الأنوار (ط - بیروت). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
مرکز فرهنگ و معارف قرآن. (1385ش). اعلام قرآن از دایره المعارف قرآن کریم. قم: بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم).
مصباح یزدی، م. ت. (1367). فلسفه اخلاق. تهران: اطلاعات.
مظهری، م. (1371). مجموعه آثار. جلد 2 و 5. قم: صدرا.
معرفت، م. ه. (1379). تفسیر و مفسران. قم: موسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید.
مغنیه، م. ج. (1378). ترجمه تفسیر کاشف. قم: بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم).
مکارم شیرازی و دیگران، ن. (1371). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
مکارم شیرازی و دیگران، ن. (1372). پیام قرآن. قم: هدف.
ورام، ا. (1369). مجموعه ورام، آداب و اخلاق در اسلام/ترجمه تنبیه الخواطر (ترجمه محمدرضا عطایی). مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
Encyclopædia Britannica Online. Archived from the original on 26 January 2013. www.britannica.com
Wilson, Edward O. (1999). *Consilience: The Unity of Knowledge*. New York: Vintage.

العروسی الحویزی، ع. (1415ق). تفسیر نور الثقلین. قم: اسماعیلیان.
ایروانی ش. و مرجانی، ب. (1394). جایگاه دانش در مهارت آموزی، راهبرد فرهنگ. 8 (3). صص 67 - 90.
بحرانی، ه. (1374). البرهان فی تفسیر القرآن. قم: موسسه البعثه، قسم الدراسات الإسلامیه.
برقی، ا. (1371ق). المحاسن. قم: دارالکتب الاسلامیه.
بروجردی، آ. ح. (1386). جامع احادیث الشیعہ (للبروجردی). تهران: فرهنگ سبز.
پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. (1397ش). درآمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی (2): اهداف تربیت از دیدگاه اسلام (زیر نظر: محمد بهشتی، علیرضا اعراقی). تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
تیمی آمدی، ع. (1410ق). غرر الحکم و درر الکلم. قم: دارالکتاب الاسلامی.
جصاص، ا. (1405). احکام القرآن (جصاص). محقق: قمحاوی، محمد صادق، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
جیلانی، ر. (1429ق/1387ش). الذریعه إلى حافظ الشریعه (شرح أصول الکافی جیلانی). قم: دار الحديث.
حسینی همدانی نجفی، م. (1363). درخشان پرتوی از اصول کافی. قم: چاپخانه علمیه قم.
حکیمی، م. ر. (1380). الحیة (احمد آرام، مترجم). تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
خامنه‌ای، ع. (1391). سخنان رهبر معظم انقلاب، درس خارج فقه، 23 بهمن 1391. www.farsi.khamenei.ir
راغب اصفهانی، ح. (1412ق). مفردات ألفاظ القرآن. بیروت: دار القلم.
رضایی اصفهانی، م. (1383). ترجمه قرآن (رضایی). قم: موسسه تحقیقاتی فرهنگی دارالذکر.
زمخشری، م. (1407ق). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقوال فی وجوه التأویل. بیروت: دارالکتب العربی.
سایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. (1374). ماده 1 و 2 آیین نامه آموزش‌های علمی-کاربردی. مصوبه 369 شورای عالی انقلاب فرهنگی جلسه مورخ 1374/11/17. www.rc.majlis.ir
شریف الرضی، م. (1414ق). نهج البلاغه (لصباحی صالح). قم: هجرت.
شیخ حر عاملی، م. (1425ق). إثبات الهداء بالنصوص و المعجزات. بیروت: اعلمی.
شیخ صدوق (ابن بابویه)، م. (1376). الأمالی (لصادوق). تهران: کتابچی.
شیخ صدوق (ابن بابویه)، م. (1413ق). من لا یحضره الفقیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
طباطبایی، م. (1390ق). میزان فی تفسیر القرآن. لبنان: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
طبرانی، س. (2008م). التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم (الطبرانی). اردن:

25 إني لأعلم أنه سبيلي و يصل البلي إليه و لكن الله يحب عبدا إذا عمل عملا أحكمه

26 هل أتبعك على أن تعلمن مما علمت رشداً

27 أمير المؤمنين (ع): خير العلم ما نفع

28 رسول خدا (ص): اللهم اني أعوذ بك من علم لا ينفع

29 امام علی (ع): كل علم لا يؤيده عقل مصلته

30 ...إنما يحشى الله من عباده العلماء...

31 ورضوان من الله أكبر

32 أن من العلم جهلاً

33 لا تتعلم العلم ممن لم ينتفع به فإن من لم ينتفع علمه لا ينفعك

34 فلا تشغل بعلم لا يضرك جهله ولا تغفل عن علم يزيد في جهلك

ترجمه

35 فتعلمون منهما ما يفرقون به بين المرء ووجه

36 امام علی (ع): أيها الناس إياكم و تعلم النجوم إلا ما يهتدى به في بر أو

بحر، فإنها تدعو إلى الكهانة، المنجم كالكاهن و الكاهن كالساحر و الساحر

كالكافر و الكافر في النار

37 من لم يصدق فعله قوله فليس بعالم

38 امام علی (ع): خير العلم ما قارته العمل

39 العلم مفرون إلى العمل فمن علم عمل و من عمل علم و العلم يهتف

بالعمل فإن أجابه و إلا ارتحل عنه

40 پیامبر اکرم (ص): من عمل على غير علم كان ما يفسد أكثر مما يصلح

41 امام صادق (ع): كل ذي صناعة مضطر إلى ثلاث خلال يجتلب بها

المكسب و هو أن يكون خادفاً بعمله...

42 و اعمل لدنياك كأنك تعيش أبداً و اعمل لآخرتك كأنك تموت غداً

43 ليس منّا من ترك ذنبا لآخرته و لا آخرته لدنياه

پی نوشت ها

1 پیامبر (ص): طلب العلم فريضة على كل مسلم و مسلمة

2 پیامبر (ص): اطلبوا العلم من المهد إلى اللحد.

3 امام علی (ع): الحكمة ضالة المؤمن، فخذ الحكمة و لو من أهل النفاق.

هم چنین فرمودند: خذوا الحكمة و لو من المشركين

4 امام علی (ع): أيها الناس اعلموا أن كمال الدين طلب العلم و العمل به...

5 امام علی (ع): طلب العلم أفضل من العبادة

6 إنما يحشى الله من عباده العلماء

7 امام صادق (ع) می فرماید: كفى بحشيتي الله علماً

8 و تعلمون ما يضركم و لا ينفعهم

9 سيقولون ثلاثة رابعهم كلبهم و يقولون خمسة سادسهم كلبهم رجماً بالغيب

و يقولون سبعة و ثامنهم كلبهم

10 يرفع الله الذين آمنوا منكم و الذين آمنوا العلم درجات

11 هل يستوي الذين يعلمون و الذين لا يعلمون

12 و أعدوا لهم ما استطعتم من قوة...

13 ترهبون به عدو الله و عدوكم...

14 پیامبر (ص): اطلبوا العلم و لو بالصين

15 والله أخرجكم من بطون أمهاتكم لا تعلمون شيئاً و جعل لكم السمع و

الابصار و الأفئدة

16 و سخر لكم ما في السموات و ما في الأرض جميعاً

17 ولقد كرّمنا بني آدم و حملناهم في البر و البحر و رزقناهم من الطيبات

و فضلناهم على كثير ممن خلقنا تفضيلاً

18 الناس معادن كعادن الذهب و الفضة...

19 قبعث فيهم رسلاً و أتر إليهم أنبياءة ليستأدوهم ميثاق فطرتهم و يدكروهم

منسى نعمته و يحنبوا عليهم بالتبليغ و يثيروا لهم دقائن العقول.

20 و علمناه صنعة لبوس لكم لتحصنكم من بأسكم

21 فأوحينا إليه أن اصنع الفلك بأعيننا و وحينا

22 قبعث الله غرباً يبحث في الأرض ليريه كيف يواري سواة أخيه

23 العلم أكثر من أن تحصى فخذوا من كل شيء أحسنه

24 و لنا له الحديد * أن اعمل ساغات و قدر في السرد...